

نقش بانک‌ها در راهبری سیاست‌های پولی و تثبیت نرخ سود از مجرای بازار بین‌بانکی



چکیده

در اقتصاد ایران بار اصلی و عمده تامین مالی خانوار، بنگاه‌های اقتصادی و نیز دولت بر عهده سیستم بانکی است، نقش بانک‌های تجاری در تعیین اهداف غایی سیاست پولی، نحوه اجرای این سیاست و همچنین لحاظ نمودن ملاحظات بانک‌های تجاری در زمینه نرخ سود بانکی، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، مقاله حاضر به معرفی و ارائه چارچوب و مدلی برای تعمیق و افزایش اثربخشی و نقش بازار بین‌بانکی در راستای بهبود جایگاه بانک‌های تجاری در سیاست پولی خواهد پرداخت. بر این اساس، مدلی روزآمد و متناسب با مقتضیات و ویژگی‌های بازار پول و اعتبار ایران معرفی خواهد شد تا از چهار مسیر بر بانک‌ها اثرگذار باشد: (۱) بهبود کیفیت معاملات بین‌بانکی و تعمیق بازار در جهت افزایش مراودات بانک‌ها (۲) هدایت کامل دولت به استقراض از سیستم بانکی از طریق انتشار اوراق و خروج از تامین مالی غیرمستقیم از طریق بانک‌های دولتی (۳) افزایش توان اثرگذاری بانک‌های تجاری بر بانک مرکزی در جهت تامین منافع بانک (جلوگیری از تحمیل نرخ‌های تکلیفی که خارج از منافع و اهداف کلان بانک تجاری است) و (۴) تقویت اثر انتقالی سیاست پولی و تغییرات نرخ بهره سیاستی در بازار اعتبارات. بهبود شاخص‌های اعلام شده در این چهار محور می‌تواند به اصلاح حکمرانی در بانک‌های تجاری، بهبود وضعیت نسبت‌های مالی بانک‌ها، اصلاح نوع رابطه بانک‌های تجاری با نهاد دولت و همچنین افزایش اثرگذاری بانک‌ها در اجرا و پیاده‌سازی سیاست‌های پولی کمک نماید.

کلیدواژه‌گان: سیاست پولی، بازار بین بانکی، نرخ بهره بین بانکی (سیاستی)، اثر انتقالی نرخ بهره.

رضا محسنی^۱، حسام‌الدین کردتبار فیروزجانی^۲

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. پژوهشگر اقتصادی، گروه اقتصاد کلان و کسب و کار، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: re_mohseni@sbu.ac.ir

شیوه استناددهی: محسنی، رضا، و کردتبار فیروزجانی، حسام‌الدین. (۱۴۰۴). نقش بانک‌ها در راهبری سیاست‌های پولی و تثبیت نرخ سود از مجرای بازار بین‌بانکی. *اقتصاد و سیاست‌گذاری مالی*, ۲(۲), ۴۴-۵۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



The Role of Banks in Guiding Monetary Policies and Stabilizing the Interest Rate through the Interbank Market

Abstract

In the Iranian economy, the main burden of financing households, business enterprises, and the government rests primarily on the banking system. The role of commercial banks in defining the ultimate objectives of monetary policy, implementing these policies, and incorporating their considerations in the context of banking interest rates must receive increasing attention. In this regard, the present article seeks to introduce and provide a framework and model for deepening and enhancing the effectiveness and role of the interbank market in improving the position of commercial banks within monetary policy. Accordingly, an up-to-date model tailored to the requirements and characteristics of the Iranian money and credit market will be introduced to influence banks through four channels: (1) improving the quality of interbank transactions and deepening the market to increase banking interactions, (2) directing the government to fully rely on borrowing from the banking system through bond issuance and moving away from indirect financing via state-owned banks, (3) enhancing the capacity of commercial banks to influence the central bank in safeguarding their interests (preventing the imposition of mandated interest rates inconsistent with the objectives and interests of commercial banks), and (4) strengthening the transmission effect of monetary policy and policy interest rate adjustments in the credit market. Improvement of the stated indicators across these four dimensions can contribute to reforming governance in commercial banks, enhancing their financial ratios, restructuring the relationship between commercial banks and the government, and increasing the effectiveness of banks in the implementation and execution of monetary policies.

Keywords: *monetary policy, interbank market, interbank (policy) interest rate, interest rate transmission effect.*



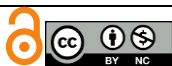
Reza Mohseni^{1*}, Hesamoddin Kordtabar Firouzjaei²

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Economic Researcher, Department of Macroeconomics and Business, Center for Development and Foresight Research, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email:
re_mohseni@sbu.ac.ir

How to cite: Mohseni, R., & Kordtabar Firouzjaei, H. (2025). The Role of Banks in Guiding Monetary Policies and Stabilizing the Interest Rate through the Interbank Market. *Economics and Financial Policymaking*, 2(2), 44-55.



در دنیای پیچیده و در حال تحول اقتصادی امروز، نقش بانکها در تعیین سیاستهای پولی و هدایت جریانهای مالی، به یکی از ارکان اصلی ثبات اقتصادی تبدیل شده است. در اقتصادهای در حال توسعه‌ای چون ایران، که سیستم بانکی بار سنگین تأمین مالی دولت، بنگاههای اقتصادی و خانوارها را به دوش می‌کشد، فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تر از چگونگی عملکرد بانکها در فرآیندهای پولی نه تنها ضروری، بلکه حیاتی است. بانکها، به ویژه بانکهای تجاری، نه تنها به‌عنوان واسطه‌گران مالی، بلکه به‌عنوان بازیگران کلیدی در تعیین نرخ سود، هدایت نقدینگی و تعیین اهداف غایی سیاستهای پولی نقش آفرینی می‌کنند. این مقاله به دنبال بررسی تأثیر این نهادهای مالی در شکل‌دهی به سیاستهای پولی و چگونگی ارتقاء کارایی بازارهای بین‌بانکی است.

سیاستهای پولی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت‌ها و بانکهای مرکزی برای کنترل نرخ تورم، تثبیت اقتصاد و هدایت رشد اقتصادی، از طریق تنظیم نرخ بهره و هدایت نقدینگی در جامعه، می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر ساختار اقتصادی و مالی کشور داشته باشند. در این راستا، بازار بین‌بانکی و روابط متقابل میان بانکها، به‌ویژه در زمینه‌های نظارتی و ابزارهای کلان‌احتیاطی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بازار به‌عنوان یک پل ارتباطی میان بانکها و سایر نهادهای مالی، می‌تواند در تعیین تأثیرگذاری سیاستهای پولی و تأمین منابع مالی کوتاه‌مدت یا بلندمدت، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

با توجه به پیچیدگی‌های بازار بین‌بانکی و نوسانات نرخ بهره و اعتبار در آن، یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل سیاستهای پولی، بررسی ناهماهنگی سررسید و تأثیر آن بر پویایی‌های این بازار است. زمانی که بانکها در تعیین سررسیدهای مالی خود با یکدیگر هماهنگ نباشند، می‌توانند به کاهش کارایی بازار بین‌بانکی، افزایش وابستگی به منابع بانک مرکزی و تضعیف اثرگذاری سیاستهای پولی منجر شوند. در کنار این، نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) به‌عنوان یک ابزار کلان‌احتیاطی طراحی شده است تا ثبات مالی را تقویت کند، اما در عمل، ممکن است با محدودیت‌های تأمین مالی نامتقارن و کاهش حجم وام‌دهی بین‌بانکی مواجه شود که به نوبه خود به اختلالاتی در جریان نقدینگی و کارایی سیاستهای پولی منتهی گردد.

این مقاله در تلاش است تا ضمن تحلیل و مدل‌سازی این پدیده‌ها، چالش‌ها و فرصت‌هایی که در این زمینه وجود دارد را شناسایی کند و چارچوبی برای بهبود کارایی بازار بین‌بانکی و تقویت سیاستهای پولی با استفاده از ابزارهای نظارتی و استراتژی‌های مالی مناسب پیشنهاد دهد. این تحلیل به‌ویژه در شرایط اقتصادی ایران، که با مشکلاتی نظیر بحران‌های ارزی و تورم‌های شدید مواجه است، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا راهبردهایی موثر برای حفظ ثبات مالی و اقتصادی طراحی نمایند.

در پایان، این تحقیق به اهمیت نظارت بر ناهماهنگی‌های سررسید، ارزیابی جامع ریسک‌های مختلف (ریسک اعتباری، نقدینگی و حاکمیتی) و تقویت ابعاد کلان‌احتیاطی تأکید دارد. هدف نهایی، طراحی راهکارهایی است که از طریق آن‌ها بتوان پایداری بازار بین‌بانکی را تقویت و تأثیرات منفی سیاستهای پولی را کاهش داد.

درک و تحلیل تأثیر بانکها بر سیاستهای پولی و اقتصاد کلان، همواره یکی از مباحث پیچیده و چالش‌برانگیز در علم اقتصاد بوده است. بانکها نه تنها به‌عنوان واسطه‌گران مالی عمل می‌کنند، بلکه در شکل‌دهی به سیاستهای پولی، ایجاد توازن در بازار پول و نقدینگی، و تثبیت نرخ بهره نقشی اساسی دارند. این نهادهای مالی به‌ویژه بانکهای تجاری، که وظیفه تأمین مالی دولت، بنگاههای اقتصادی و خانوارها را بر عهده دارند، به شکلی پیچیده و متداخل با ابزارهای مختلف سیاست پولی همچون نرخ بهره، خرید و فروش دارایی‌ها و تنظیم حجم نقدینگی، بر فرآیندهای اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

با توجه به نقش کلیدی بانکها در اقتصاد، یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، تحلیل و ارزیابی دقیق تعاملات میان بانکها و سیاستهای پولی است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این راستا باید به آن پرداخته شود، ناهماهنگی سررسید در ترازنامه بانکها است. این ناهماهنگی‌ها، به‌ویژه در شرایطی که بانکها برای تأمین منابع خود به بازار بین‌بانکی متکی هستند، می‌تواند مشکلات زیادی را در تأمین مالی و کارایی

سیاست‌های پولی ایجاد کند. این ناهماهنگی‌ها معمولاً به کاهش کارایی بازار بین‌بانکی، افزایش وابستگی به بانک مرکزی و کاهش تأثیرگذاری سیاست‌های پولی منجر می‌شود.

مسئله دیگری که باید به آن پرداخته شود، بررسی نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) است. اگرچه این ابزار به منظور تقویت ثبات مالی طراحی شده، اما در عمل می‌تواند با ایجاد محدودیت در وام‌دهی بین‌بانکی، به پیامدهای ناخواسته‌ای مانند کاهش جریان نقدینگی و ایجاد اختلال در بازار بین‌بانکی منجر شود. این شرایط می‌تواند بر کارایی سیاست‌های پولی تأثیر منفی بگذارد و موجب کاهش ثبات مالی گردد. از طرفی، ابزارهای نظارتی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان مدیریت بازار بین‌بانکی و سیاست‌های پولی در نظر گرفته می‌شوند. نظارت دقیق بر عملکرد بانک‌ها و بازارهای بین‌بانکی می‌تواند به کاهش ناهماهنگی‌ها، بهبود هماهنگی سررسیدها و کاهش ریسک‌های نقدینگی و اعتباری کمک کند. در این راستا، بانک‌های مرکزی و نهادهای نظارتی باید نقش ویژه‌ای در اعمال سیاست‌های پولی ایفا کنند.

مبانی نظری

برای تحلیل مسئله بانک‌ها در هدایت سیاست‌های پولی و تأثیر آن‌ها بر بازار بین‌بانکی، لازم است که به مبانی نظری این حوزه پرداخته شود. سیاست‌های پولی و ابزارهای آن، به‌ویژه نرخ بهره و خرید و فروش دارایی‌ها، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که بر ساختار بازار پول و نقدینگی تأثیر می‌گذارند.

نظریه‌های پولی کلاسیک بر این باورند که بانک‌ها تنها به‌عنوان واسطه‌گران مالی در جریان انتقال منابع مالی از واحدهای اقتصادی به واحدهای دیگر عمل می‌کنند. در این دیدگاه، بانک‌ها نقشی مستقل در هدایت سیاست‌های پولی ایفا نمی‌کنند و تنها تابعی از سیاست‌های بانک مرکزی هستند. این نظریه به‌ویژه در شرایطی که بانک مرکزی کنترل کاملی بر نرخ بهره و حجم نقدینگی دارد، می‌تواند کارآمد باشد. اما نظریه‌های پولی نوین (مانند نظریه‌های مبتنی بر تقاضای پول و مدل‌های کلان‌اقتصادی دینامیکی) معتقدند که بانک‌ها می‌توانند در تعیین نرخ بهره و ایجاد نوسانات در بازار نقدینگی نقش موثری ایفا کنند. در این مدل‌ها، بانک‌ها نه تنها بر اساس سیاست‌های بانک مرکزی عمل می‌کنند، بلکه تصمیمات خود را بر مبنای نیازهای نقدینگی و سررسیدهای مختلف در ترازنامه‌های خود اتخاذ می‌کنند. این امر نشان‌دهنده تأثیر مستقیم بانک‌ها بر سیاست‌های پولی و رشد اقتصادی است.

یکی از مبانی نظری مهم در این زمینه، مدل‌های بازار بین‌بانکی هستند که تحلیل می‌کنند چگونه بانک‌ها با یکدیگر در تأمین نقدینگی و تنظیم نرخ بهره تعامل دارند. در این مدل‌ها، بانک‌ها معمولاً در تلاش هستند تا منابع خود را در سررسیدهای مختلف توزیع کنند تا از بحران‌های نقدینگی جلوگیری نمایند. ناهماهنگی سررسید بین بانک‌ها، به‌ویژه در بحران‌های مالی، می‌تواند به اختلالات جدی در بازار بین‌بانکی منجر شود.

نظریه‌های کلان‌اقتصادی، به‌ویژه در زمینه ابزارهایی چون نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR)، به بررسی چگونگی ایجاد ثبات مالی در سیستم بانکی می‌پردازند. این ابزارها به‌ویژه در تلاش هستند تا اطمینان حاصل کنند که بانک‌ها توانایی تأمین منابع مالی خود را به‌طور پایدار دارند و از بحران‌های نقدینگی جلوگیری می‌شود.

مدل‌های بازار بین‌بانکی و نقش آن‌ها در سیاست‌های پولی

یکی از مباحث اساسی در تحلیل بازار بین‌بانکی، مدل‌های بازار بین‌بانکی است که نحوه تعامل و رفتار بانک‌ها در تأمین نقدینگی و تنظیم نرخ بهره را بررسی می‌کنند. این مدل‌ها معمولاً به این صورت تحلیل می‌شوند که بانک‌ها در شرایط عادی به دنبال تنظیم تعادل میان منابع و مصارف خود هستند، اما در شرایط بحرانی یا در زمان نوسانات اقتصادی، این تعاملات به‌طور پیچیده‌ای تغییر می‌کنند.

در مدل‌های بازار بین‌بانکی، بانک‌ها برای تأمین نقدینگی و منابع مالی خود به یکدیگر متکی هستند و از ابزارهای مختلفی نظیر وام‌های بین‌بانکی و گواهی‌های سپرده برای تنظیم جریان نقدینگی استفاده می‌کنند. این مدل‌ها معمولاً تأکید دارند که بانک‌ها در برابر سیاست‌های

پولی بانک مرکزی و شرایط بازار، رفتارهای خاصی نشان می‌دهند. در شرایط بحرانی، بانکها ممکن است تمایل بیشتری به قرض گرفتن از بانک مرکزی یا حتی کاهش وام‌دهی بین‌بانکی داشته باشند.

مدل‌های دو طرفه نقدینگی (Dual Liquidity Models) می‌توانند به تحلیل دقیق‌تر تأثیر ناهماهنگی سررسید و نحوه تعامل بانکها در زمینه نقدینگی کمک کنند. این مدل‌ها تأثیرات ناهماهنگی‌ها در سررسیدهای وام‌های بین‌بانکی و گواهی‌های سپرده را بر کاهش یا افزایش تأثیرگذاری سیاست‌های پولی بررسی می‌کنند.

نظریه‌های پولی و تأثیر سیاست‌های پولی بر بانکها

در زمینه نظریه‌های پولی، مدل‌های مختلفی وجود دارند که تأثیر سیاست‌های پولی بر فعالیت‌های بانکها و عملکرد آنها در بازار بین‌بانکی را تحلیل می‌کنند. یکی از این نظریه‌ها، نظریه تقاضای پول است که به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی یا تورم‌های بالا می‌تواند به‌طور مستقیم بر رفتار بانکها و عملکرد آنها در بازار تأثیر بگذارد. طبق این نظریه، وقتی بانکها نیاز به نقدینگی بیشتری دارند، ممکن است نرخ بهره را بالا ببرند تا منابع بیشتری جذب کنند. در نتیجه، سیاست‌های پولی می‌توانند به‌طور غیرمستقیم بر سطح نقدینگی و نرخ بهره بازار بین‌بانکی تأثیر بگذارند.

نظریه‌های نرخ بهره، همچون مدل‌های سولو-استینز و مدل‌های انتظارات منطقی، نیز به بررسی رابطه بین نرخ بهره بانک مرکزی و بازار بین‌بانکی پرداخته و نشان می‌دهند که بانکها در واکنش به تغییرات سیاست‌های پولی ممکن است نرخ بهره خود را به‌طور مستقل تنظیم کنند. این امر به‌ویژه در شرایطی که بانکها با محدودیت‌های نقدینگی روبرو هستند، می‌تواند منجر به ایجاد نوسانات در بازار بین‌بانکی شود.

نظریه‌های کلان‌احتیاطی و ابزارهای نظارتی

در زمینه سیاست‌های کلان‌احتیاطی، بانک‌های مرکزی و نهادهای نظارتی برای حفظ ثبات مالی و کاهش ریسک‌های سیستمیک از ابزارهای مختلفی نظیر نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) استفاده می‌کنند. این ابزارها به‌ویژه برای بررسی توانمندی بانکها در تأمین منابع مالی پایدار طراحی شده‌اند و می‌توانند به‌طور موثر به جلوگیری از بحران‌های نقدینگی و افزایش اعتماد عمومی به سیستم بانکی کمک کنند. نظریه‌های ذخایر نقدی و انطباق با الزامات نظارتی به این اشاره دارند که اگرچه تنظیم نسبت تأمین مالی پایدار خالص به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های بانکها تأثیر می‌گذارد، اما استفاده نادرست از این ابزارها می‌تواند به کاهش دسترسی بانکها به منابع مالی و در نتیجه کاهش کارایی سیاست‌های پولی منجر شود. این مشکلات زمانی به وجود می‌آید که بانکها به دلیل محدودیت‌های نظارتی و کمبود نقدینگی، مجبور به کاهش وام‌دهی و اعتبارات شوند، که خود می‌تواند منجر به ایجاد اختلالات اقتصادی شود.

اقتصاد رفتاری و تأثیرات روانشناسی بر بانکها و سیاست‌های پولی

نظریه‌های اقتصاد رفتاری در تحلیل رفتار بانکها و سیاست‌های پولی نیز حائز اهمیت است. این نظریه‌ها به مطالعه رفتارهای غیرمنطقی و پیش‌بینی‌ناپذیر در بازارهای مالی می‌پردازند. در این راستا، ممکن است بانکها به دلیل اضطراب‌های روانی ناشی از بحران‌های مالی یا عدم اطمینان اقتصادی، رفتارهایی همچون کاهش وام‌دهی، افزایش نرخ بهره و یا حتی افزایش وابستگی به بانک مرکزی اتخاذ کنند. این امر می‌تواند تأثیر منفی بر کارایی بازار بین‌بانکی و سیاست‌های پولی داشته باشد.

در این زمینه، تأثیر رفتارهای غیرمنطقی بانکها در مواجهه با بحران‌ها و تغییرات اقتصادی به‌ویژه زمانی که بازارهای مالی با عدم اطمینان روبه‌رو هستند، موضوعی بسیار مهم است که در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. این رفتارهای غیرمنطقی می‌توانند موجب تشدید بحران‌های مالی و کاهش کارایی سیاست‌های پولی شوند.

پویایی‌های سررسید و آثار آن بر پایداری مالی

بحث پویایی‌های سررسید یکی از جنبه‌های مهم دیگر در تحلیل بانک‌ها و سیاست‌های پولی است. پویایی‌های سررسید به این اشاره دارند که چگونه بانک‌ها منابع مالی خود را در سررسیدهای مختلف تقسیم می‌کنند و این تقسیم‌بندی می‌تواند بر قدرت تأمین مالی و تصمیمات استراتژیک بانک‌ها تأثیر بگذارد. ناهماهنگی در سررسیدهای مختلف می‌تواند موجب ایجاد ریسک‌های مالی و کاهش ثبات اقتصادی شود. در نظریه‌های مرتبط با پویایی‌های سررسید، به‌ویژه در شرایط نامساعد اقتصادی، بانک‌ها ممکن است در تلاش برای تنظیم سررسیدهای وام‌های خود به سمت منابع کوتاه‌مدت بروند. این امر می‌تواند منجر به کاهش موجودی نقدی و افزایش وابستگی به منابع بانک مرکزی شود. به‌ویژه در زمان‌های بحرانی، این ناهماهنگی‌ها می‌توانند باعث کاهش کارایی بازار بین‌بانکی و ناکارآمدی سیاست‌های پولی شوند.

مرور مطالعات پیشین

مطالعه نقش بانک‌ها در هدایت سیاست‌های پولی و تحلیل تعاملات آن‌ها با بازارهای بین‌بانکی، موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران اقتصادی را به خود جلب کرده است. بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی رابطه بین ناهماهنگی‌های سررسید، بازارهای بین‌بانکی، و کارایی سیاست‌های پولی پرداخته‌اند. این بخش به مرور مهم‌ترین مطالعات پیشین در این زمینه و نحوه ارتباط آن‌ها با پژوهش حاضر خواهد پرداخت.

نقش بانک‌های تجاری در سیاست‌های پولی

در تحقیقات مختلف، بانک‌های تجاری به‌عنوان عاملان اصلی در هدایت سیاست‌های پولی و ایجاد ثبات مالی شناخته شده‌اند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که عملکرد بانک‌ها و تصمیمات آن‌ها در زمینه نرخ بهره، تأثیر زیادی بر تأثیرگذاری سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی دارند. به‌عنوان مثال، تحقیقات آندریاس و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که هماهنگی بهتر میان سررسیدهای وام‌های بین‌بانکی می‌تواند کارایی سیاست‌های پولی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد و همچنین به تقویت اثرگذاری تغییرات نرخ بهره بر بازارهای مالی کمک کند. مطالعه جانسون و فورد (۲۰۱۸) نیز به تحلیل نقش بانک‌های تجاری در اجرای سیاست‌های پولی بانک مرکزی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ناهماهنگی سررسید در ترانزاکشن بانک‌ها می‌تواند موجب ایجاد مشکلاتی در اجرای سیاست‌های پولی شود. بر اساس این تحقیق، زمانی که بانک‌ها نتوانند سررسیدهای خود را به‌درستی مدیریت کنند، ممکن است به بانک مرکزی وابسته شوند که این امر باعث کاهش تأثیرگذاری سیاست‌های پولی می‌شود.

تحلیل بازار بین‌بانکی و تأثیر آن بر سیاست‌های پولی

بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل نقش بازار بین‌بانکی در شکل‌دهی به سیاست‌های پولی و تأثیرگذاری آن بر ثبات مالی پرداخته‌اند. ژان و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به تحلیل بازار بین‌بانکی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که بازارهای بین‌بانکی ناکارآمد می‌توانند منجر به اختلالات جدی در سیاست‌های پولی شوند. این تحقیق نشان می‌دهد که شفافیت در قیمت‌گذاری و افزایش هماهنگی در بازار بین‌بانکی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اثربخشی سیاست‌های پولی و جلوگیری از بحران‌های مالی داشته باشد. همچنین، مارتین و برگن (۲۰۱۷) در پژوهش خود بر این نکته تأکید دارند که بازار بین‌بانکی به‌طور مستقیم با نرخ بهره و سیاست‌های بانک مرکزی در ارتباط است. این مطالعه نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی باید نظارت دقیقی بر تحولات بازار بین‌بانکی داشته باشند تا از ایجاد اختلالات در جریان نقدینگی جلوگیری کنند.

نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) و تأثیر آن بر کارایی سیاست‌های پولی

ابزارهایی نظیر نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) که به‌منظور حفظ ثبات مالی در سیستم بانکی معرفی شده‌اند، در برخی از مطالعات به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعه سارا و میکلس (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که این ابزار می‌تواند به‌طور مثبت بر ثبات مالی تأثیر

بگذارد، اما در عین حال ممکن است با کاهش وام‌دهی بین‌بانکی، به کاهش کارایی سیاست‌های پولی منجر شود. این تحقیق تأکید دارد که استفاده از NSFR به‌عنوان یک ابزار کلان‌احتیاطی می‌تواند موجب ایجاد محدودیت‌های تأمین مالی و کاهش جریان نقدینگی در بازارهای بین‌بانکی شود.

در همین راستا، توماس و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر ابزارهای کلان‌احتیاطی بر بازارهای بین‌بانکی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در شرایطی که بانک‌ها به دلیل محدودیت‌های NSFR نتوانند منابع مالی کافی تأمین کنند، ممکن است به افزایش وابستگی به بانک مرکزی و کاهش اثربخشی سیاست‌های پولی منجر شوند.

نظارت کلان‌احتیاطی و ابزارهای نظارتی

نظارت بر بانک‌ها و ابزارهای کلان‌احتیاطی در بسیاری از مطالعات مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق کیم و وانگ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر نظارت بر عملکرد بانک‌ها و تأثیر آن بر سیاست‌های پولی پرداخته و نتیجه‌گیری کرده است که ابزارهای نظارتی، به‌ویژه در شرایط بحرانی، می‌توانند مانع از بروز بحران‌های مالی شوند و تأثیر سیاست‌های پولی را تقویت کنند.

مطالعه آری و روژاس (۲۰۱۹) نیز به تحلیل اثرات ابزارهای نظارتی بر بازارهای مالی پرداخته و بر این نکته تأکید کرده است که نظارت مستمر بر سرسیدهای وام‌ها و منابع مالی بانک‌ها می‌تواند به کاهش ناهماهنگی‌ها کمک کند و از ایجاد اختلالات در بازار بین‌بانکی جلوگیری نماید.

اقتصاد رفتاری و اثرات روانشناختی بر بانک‌ها

اقتصاد رفتاری در تحلیل بانک‌ها و سیاست‌های پولی نیز توجه زیادی به خود جلب کرده است. پارکر و هندرسون (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به تحلیل رفتار بانک‌ها در شرایط بحران‌های مالی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که در شرایط عدم اطمینان اقتصادی، بانک‌ها ممکن است به‌طور غیرمنطقی تصمیماتی بگیرند که به کاهش کارایی سیاست‌های پولی منجر شود. این مطالعه تأکید دارد که نظارت بر رفتارهای غیرمنطقی بانک‌ها در شرایط بحرانی می‌تواند به تقویت کارایی سیاست‌های پولی کمک کند.

تحقیقات داخلی در زمینه سیاست‌های پولی و بازار بین‌بانکی

در ایران نیز تحقیقات متعددی در زمینه نقش بانک‌ها در هدایت سیاست‌های پولی انجام شده است. رحیمی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی نقش بانک‌های تجاری در بازار بین‌بانکی ایران پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که ناهماهنگی سررسید در ترازنامه بانک‌ها در کشور می‌تواند به ایجاد بحران‌های نقدینگی و کاهش کارایی سیاست‌های پولی منجر شود. این مطالعه بر اهمیت نظارت بر بانک‌ها و هماهنگی سررسیدهای وام‌ها تأکید دارد.

همچنین، محمودی و زارعی (۲۰۱۹) در تحقیق خود به تحلیل اثرات سیاست‌های پولی بر بازارهای مالی ایران پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بانک‌های تجاری در این کشور قادر به تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌های پولی نبوده و بیشتر تابع تصمیمات بانک مرکزی هستند. این تحقیق به اهمیت بهبود هماهنگی میان سیاست‌های پولی و عملکرد بانک‌ها تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی نقش بانک‌ها در هدایت سیاست‌های پولی و تعامل آن‌ها با بازار بین‌بانکی یکی از ارکان کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های اقتصادی و مالی در هر کشوری است. در تحقیق حاضر، با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در بازارهای مالی، به‌ویژه در شرایط بحرانی و در حال توسعه، نقش بانک‌های تجاری و بانک‌های مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی و حفظ ثبات اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که ناهماهنگی سررسیدها، ابزارهای نظارتی و نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) از مهم‌ترین عواملی هستند که تأثیرات قابل توجهی بر کارایی سیاست‌های پولی دارند.

ناهماهنگی سررسیدها در ترازنامه بانکها: ناهماهنگی‌های سررسید میان دارایی‌ها و بدهی‌های بانکها می‌تواند منجر به کاهش کارایی بازار بین‌بانکی و اختلال در تأمین نقدینگی شود. در نتیجه، این امر به وابستگی بیشتر بانکها به بانک مرکزی و کاهش اثربخشی سیاست‌های پولی می‌انجامد. مدیریت بهتر سررسیدها و هماهنگی میان منابع و مصارف بانکی می‌تواند به بهبود کارایی بازار بین‌بانکی کمک کند.

تأثیر ابزارهای کلان‌احتیاطی: ابزارهایی همچون نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR) که به منظور افزایش ثبات مالی طراحی شده‌اند، می‌توانند به طور مثبت از وقوع بحران‌های مالی جلوگیری کنند. با این حال، استفاده نامناسب از این ابزارها ممکن است موجب محدودیت در تأمین منابع مالی و کاهش وام‌دهی بین‌بانکی شود که به نوبه خود به کاهش کارایی سیاست‌های پولی منتهی می‌شود.

نظارت بر عملکرد بانکها: نظارت دقیق و مستمر بر عملکرد بانکها، به‌ویژه در زمینه سررسیدها و ابزارهای کلان‌احتیاطی، می‌تواند از بروز اختلالات و بحران‌های نقدینگی جلوگیری کند و به تقویت اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی منجر شود. نظارت بر بانکها و ارزیابی ریسک‌های مختلف همچون ریسک اعتباری، نقدینگی و حاکمیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اقتصاد رفتاری و تأثیرات روانشناختی: رفتارهای غیرمنطقی بانکها در مواجهه با بحران‌های مالی و نوسانات اقتصادی می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر بازار بین‌بانکی و سیاست‌های پولی داشته باشد. نظارت بر این رفتارها و ایجاد سیستم‌های شفاف در بازارهای مالی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و کاهش ریسک‌های مالی کمک کند.

اهمیت نتایج برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان

نتایج این تحقیق اهمیت ویژه‌ای برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی دارند. به‌ویژه، در کشورهایی که با چالش‌های اقتصادی مانند تورم بالا، بحران‌های ارزی و نوسانات بازار مواجه هستند، بانک‌های تجاری باید توانایی مدیریت بهینه منابع و مصارف خود را داشته باشند تا از ناهماهنگی‌ها در سررسیدها جلوگیری کنند. همچنین، نهادهای نظارتی باید ابزارهای کلان‌احتیاطی را با دقت بیشتری تنظیم کرده و به گونه‌ای طراحی کنند که موجب اختلال در جریان نقدینگی و تأثیرگذاری سیاست‌های پولی نشوند.

چالش‌ها و فرصت‌ها

یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، وجود ناهماهنگی‌های سررسید در ترازنامه بانکها است که می‌تواند موجب کاهش توانایی بانکها در تأمین منابع مالی مورد نیاز اقتصاد شود. از سوی دیگر، ابزارهای نظارتی مانند نسبت تأمین مالی پایدار خالص (NSFR)، اگرچه برای افزایش ثبات مالی طراحی شده‌اند، اما ممکن است با محدود کردن دسترسی به منابع مالی، به کاهش کارایی سیاست‌های پولی منتهی شوند. بنابراین، چالش‌ها به همراه فرصت‌هایی برای بهبود عملکرد بازار بین‌بانکی و سیاست‌های پولی وجود دارند.

پیشنهادات برای تحقیقات آینده

تحقیقات آینده می‌توانند به بررسی دقیق‌تر تأثیر ناهماهنگی سررسیدها و اثرات آن‌ها بر پویایی‌های نقدینگی و اعتماد بازار پرداخته و به شبیه‌سازی مدل‌های مختلف برای بهبود همزمان سیاست‌های پولی و عملکرد بانکها بپردازند. همچنین، مطالعه روابط پیچیده‌تر میان بانک‌های تجاری و مرکزی و تأثیر آن‌ها بر بازارهای مالی می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات نظارتی و مالی در سطح کلان شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسندگان مسئول و ضمن رعایت اصول کپی‌رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

Extended Abstract

Introduction

In contemporary economies, banks are positioned as the backbone of monetary systems, playing a decisive role in guiding monetary policy, influencing liquidity conditions, and ensuring macroeconomic stability. In developing countries such as Iran, the banking system shoulders the primary responsibility for financing households, enterprises, and the government, thereby exerting a significant influence on monetary policy objectives and transmission channels. Commercial banks, beyond serving as financial intermediaries, actively shape monetary policy outcomes through their lending behavior, balance sheet structures, and participation in the interbank market. The effectiveness of monetary policy, particularly in environments prone to volatility, depends on the ability of banks to efficiently channel liquidity and transmit policy rate adjustments to credit markets (Daliri & Mehregan, 2014; Kashyap & Stein, 2000).

A substantial body of literature highlights that the interbank market operates as the primary transmission channel of monetary policy, linking central bank interventions with commercial bank behavior (Borio & Zhu, 2008; Gambacorta & Mistrulli, 2003). In this context, mechanisms such as the policy interest rate, capital adequacy regulation, and liquidity ratios determine the extent to which central bank signals affect market rates. In Iran, challenges such as interest rate misalignment, maturity mismatches in bank balance sheets, and heavy dependence of the government on state-owned banks for financing have weakened the transmission of monetary policy (Kazroni, Salahsh, & Asgharpour, 2018; Rezaei, Shahrestani, Hejbar-Kiani, & Mehrara, 2019). This has led to inefficiencies in controlling inflation and sustaining financial stability.

Recent studies argue that macroprudential regulations such as the Net Stable Funding Ratio (NSFR), while designed to enhance resilience, may inadvertently restrict interbank lending and reduce the effectiveness of monetary policy transmission (Sara & Miklos, 2016; Ihrig, Senyuz, & Weinbach, 2020). Moreover, empirical findings demonstrate that asymmetric responses of banks to central bank policy often stem from structural vulnerabilities in interbank markets (Gomez, Savov, & Schnabl, 2021; Greenwald, Krainer, & Paul, 2024). In Iran, these vulnerabilities are amplified by exchange rate crises, high inflation, and governance inefficiencies, which together constrain the stabilizing role of banks.

Consequently, this study aims to design a framework tailored to Iran's financial environment that strengthens the role of commercial banks in monetary policy execution by enhancing the depth and quality of interbank markets. Specifically, the study introduces a model that affects banks through four mechanisms: (1) improving

interbank transaction quality, (2) channeling government borrowing exclusively through market-based issuance of bonds instead of indirect financing by state-owned banks, (3) empowering commercial banks to influence the central bank against administratively imposed rates, and (4) reinforcing the pass-through effect of monetary policy rates to the credit market (Amini Milani, Seyed Nourani, Abolhasani-Hastiani, & Safari Sharafshahdeh, 2023; Shirijian, Farzin, Hadinejad, & Damankeshideh, 2023). By examining these dynamics, this research contributes to both the theoretical understanding and practical design of monetary policy frameworks in bank-dominated economies.

Methods and Materials

The study employed a mixed theoretical–empirical approach to investigate the interaction between banks and monetary policy transmission. First, a comprehensive review of monetary theory—including classical monetary views, modern dynamic stochastic general equilibrium (DSGE) models, and macroprudential frameworks—was conducted to construct a conceptual foundation for analyzing interbank market mechanisms. Second, Iranian banking data were utilized to capture patterns of maturity mismatch, interbank lending volumes, and central bank interventions. Balance sheet indicators, interbank rate fluctuations, and NSFR-related constraints were systematically examined. Finally, the research proposed a tailored model for Iran’s monetary and credit market, identifying four primary channels through which policy effectiveness could be improved. The methodology emphasized descriptive analysis, policy simulation, and comparative evaluation with international experiences.

Findings

The analysis revealed that maturity mismatches within bank balance sheets constitute a major impediment to effective monetary policy transmission. Banks relying heavily on short-term interbank borrowing to finance long-term lending faced liquidity pressures that increased dependence on central bank refinancing facilities. This dynamic not only reduced the effectiveness of interest rate signals but also generated procyclical volatility in the money market. The results further showed that greater depth and transparency in interbank trading would significantly enhance the quality of liquidity allocation among banks.

Second, evidence indicated that government reliance on state-owned banks for indirect financing crowded out private credit and distorted interest rate structures. By shifting government borrowing toward bond issuance in the open market, the model demonstrated potential to reduce financial repression and improve market discipline.

Third, findings highlighted that commercial banks in Iran have limited bargaining power vis-à-vis the central bank, often subject to imposed interest rate ceilings or floors that contradict their profitability objectives. Empowering commercial banks through stronger interbank market representation was found to mitigate these constraints, ensuring that interest rate adjustments reflect actual liquidity conditions.

Finally, the study documented that the pass-through of monetary policy rates to the credit market remained weak, largely due to segmented financial markets and insufficient interbank integration. Strengthening interbank channels was shown to amplify the responsiveness of lending and deposit rates to central bank policy rates, thereby increasing the effectiveness of monetary stabilization tools. Collectively, the empirical evidence underscored that enhancing the interbank market could simultaneously improve governance, financial ratios of banks, and monetary transmission.

Discussion and Conclusion

The findings underscore the centrality of interbank markets in shaping the effectiveness of monetary policy in bank-dominated economies. In the Iranian context, the persistence of maturity mismatches, government reliance on state-owned banks, and weak transmission of policy rates have constrained the stabilizing role of commercial banks. The proposed framework addresses these challenges by establishing a model that enhances market depth, reduces distortions, and strengthens bank–central bank interactions.

The discussion highlights that improving the quality of interbank transactions can mitigate liquidity fragmentation, while market-based government borrowing reduces fiscal dominance over the banking sector. Empowering commercial banks against imposed administrative rates aligns monetary policy more closely with actual financial conditions, ensuring sustainable credit allocation. Furthermore, enhancing the pass-through of policy interest rates can significantly improve the effectiveness of anti-inflationary strategies, contributing to macroeconomic stability.

In conclusion, this study emphasizes that strengthening interbank markets is a prerequisite for effective monetary policy in Iran and similar developing economies. By reducing structural vulnerabilities, aligning incentives between banks and regulators, and reinforcing the transmission mechanism of interest rates, the banking system can play a more proactive role in economic stabilization. The policy implications extend beyond Iran, offering valuable lessons for countries with bank-centered financial systems facing inflationary pressures and fiscal imbalances.

References

- Acharya, V. V., & Merrouche, O. (2013). Precautionary hoarding of liquidity and inter-bank markets: Evidence from the sub-prime crisis. *Review of Finance*, 17(1), 107–160.
- Adrian, T., & Shin, H. S. (2010). Liquidity and leverage. *Journal of Financial Intermediation*, 19(3), 418–437.
- Allen, F., & Carletti, E. (2008). The role of liquidity in financial crises. *International Journal of Central Banking*, 4(3), 1–32.
- Allen, F., & Gale, D. (2000). Financial contagion. *Journal of Political Economy*, 108(1), 1–33.
- Amini Milani, M., Seyed Nourani, S. M. R., Abolhasani-Hastiani, A., & Safari Sharafshahdeh, H. (2023). Evaluating the performance of commercial and specialized banks in Iran with a focus on the effect of the interbank interest rate. *Macroeconomics Research Letter*, 18(39), 135–164.
- Bank for International Settlements (BIS). (2023). *Central banks, macro-financial stability and the future of the financial system*.
- Bell, S., Chui, M., Gomes, T., Moser-Boehm, P., & Tejada, A. P. (2023). Why are central banks reporting losses? Does it matter? *BIS Bulletin No. 68*.
- Borio, C., & Zhu, H. (2008). Capital regulation, risk-taking and monetary policy: A missing link in the transmission mechanism? *European Central Bank Working Paper*.
- D'Amico, S., & King, T. (2023). Past and future effects of the recent monetary policy tightening. *Federal Reserve Bank of Chicago*.
- Daliri, H., & Mehregan, N. (2014). Examining the role of monopoly power of commercial banks on the effectiveness of monetary policy in Iran's economy. *Iranian Economic Development Analysis*, 2(3), 9–39.
- Earnest, S., Erel, I., Liebersohn, J., & Yannelis, C. (2023). Monetary policy transmission through online banks. *National Bureau of Economic Research*.
- Economics Discussion. (2023). Central bank and commercial banks: Relationship and roles.
- Erel, I., Liebersohn, J., Yannelis, C., & Earnest, S. (2023). Monetary policy transmission through online banks. *National Bureau of Economic Research*.
- European Central Bank (ECB). (2023). *Monetary policy transmission through online banks*.
- Federal Reserve Bank of Dallas. (2023). *Deposit convexity, monetary policy, and financial stability* (Research Dept. Working Paper No. 2315).
- Federal Reserve Bank. (2023). *Monetary transmission through bank securities portfolios*.
- Federal Reserve Board. (2021). *Monetary policy: What are its goals? How does it work?* <https://www.federalreserve.gov>
- Federal Reserve Board. (2022). *Monetary policy strategies of major central banks*. <https://www.federalreserve.gov>
- Gambacorta, L., & Mistrulli, P. (2003). Bank capital and lending behaviour: Empirical evidence for Italy. *Banca d'Italia Economic Research Paper No. 486*.
- Global Banking & Finance. (2023). Central banks and commercial banks relationship: Importance and functions.
- Gomez, M., Savov, A., & Schnabl, P. (2021). The transmission of interest rate changes via bank balance sheets. *Journal of Financial Economics*, 142(3), 987–1015.
- Greenwald, D., Krainer, J., & Paul, P. (2024). Monetary transmission through bank securities portfolios. *National Bureau of Economic Research*.
- Ihrig, J., Senyuz, Z., & Weinbach, G. C. (2020). Implementing monetary policy in an “ample-reserves” regime: The basics. *Federal Reserve*.

- International Monetary Fund (IMF). (2023). *Trust bridges and money flows: A digital marketplace to improve cross-border payments*.
- Kashyap, A. K., & Stein, J. C. (2000). What do a million observations on banks say about the transmission of monetary policy? *American Economic Review*, 90(3), 407–428.
- Kazroni, A., Salahsh, T., & Asgharpour, H. (2018). The role of banks in the transmission mechanism of monetary policy with emphasis on financial soundness and balance sheet characteristics of banks. *Quarterly Journal of Economic Research*, 53(1), 69–92.
- Koont, J., et al. (2023). Digital transformation and deposit outflows. *Chicago Booth*.
- Nelson, C. R., & Schwert, G. W. (1977). On testing the hypothesis that the real rate of interest is constant. *American Economic Review*, 67(3), 478–486.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). (2023). *Do central bank losses matter?* ECOSCOPE.
- Rezaei, G., Shahrestani, H., Hejbar-Kiani, K., & Mehrara, M. (2019). The effect of monetary policy on the fragility of the money market in Iran's economy. *Economics and Modeling*, 10(4), 27–56.
- Sargent, T. J. (1972). Rational expectations and the term structure of interest rate. *Journal of Money, Credit and Banking*, 4(1), 74–97.
- Shirijian, M., Farzin, M. R., Hadinejad, M., & Damankeshideh, M. (2023). Investigating the efficiency of the monetary policy instrument of interest rates in managing inflation under banking system imbalances and imbalance analysis based on Islamic banking requirements. *Islamic Financial Studies*, 12(Special Issue: The First National Conference on Islamic Banking in Iran), 73–102.
- Sims, C. A. (1972). Money, income, and causality. *American Economic Review*, 62(4), 540–552.
- SUERF. (2023). Transmission of monetary policy: Bank interest rate pass-through. *SUERF Policy Brief No. 771*.